

بررسی نقادانه مواجهه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان، ناظر بر دیدگاه احمد الکاتب

سید مجتبی معنوی^۱

چکیده

رصد شبهات مهدویت به منظور شبهه‌زدایی از این مسئله، امری ضروری است. در دهه‌های اخیر تلاش رسانه‌های معاند برای معرفی چهره‌ای خشن از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزایش داشته است. مقاله حاضر به نقد شبهه کشتار افراطی از سوی امام مهدی پرداخته است. این شبهه را احمد کاتب در برنامه «شاه‌کلید» مطرح کرده است. در دیدگاه افراطی او، امام مهدی کشتاری وسیع و هولناک به راه می‌اندازد و رفتارش به رفتار پیامبر شباهتی ندارد. هدف تحقیق، ارائه نگرشی نقادانه به شبهه مذکور و ارائه پاسخ تحلیلی آن است. برای اجرای تحقیق، از روش کیفی تحلیل مضمون در اسناد نیمه ساخت یافته (برنامه زنده در حال پخش) و آثار منتشر شده، استفاده شده است. تکنیک مقاله، تحلیل روایات مربوط به برخورد قاطع امام مهدی، بر پایه منطق فهم احادیث مهدویت است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که رویکرد کاتب به روایات کشتار وسیع افراطی، برای خدشه‌دار کردن چهره مهدویت است. دسته‌بندی روایات، خوانشی منطقی از سیره امام مهدی پیش روی ما می‌نهد و مجموع آن‌ها به تقویت باور صحیح به مهدویت و پرهیز از نگرش افراطی به کشتار وسیع امام مهدی ناظر است. برخورد مقتدرانه آن حضرت با ظالمان معدود و آخرین مرحله اقدام و در واقع این کار امام مهدی برای جامعه مصداق رحمت خداوند است.

واژگان کلیدی: سیره امام مهدی، کشتار وسیع، شبهه‌زدایی، برخورد قاطع، احمد کاتب.



مقدمه

امروزه به دلیل القای شبهات در فضای مجازی علیه مهدویت، سرایت شبهات در این زمینه سریع‌تر شده است. این اتفاق، شبهه‌شناسی و شبهه‌پژوهی را وارد عرصه جدیدی کرده است. از این اتفاق، می‌توان به عنوان اغوای مخاطب برای القای شبهه یاد کرد و متعاقب آن، ستیز و انکار مهدویت را شاهد بود. این جریان، در ستیز با واقعیت، عقل و منطق را از کار می‌اندازد و با اعتقادات قومی و دینی، به بدترین شکل مبارزه می‌کند. این حرکت، برای ایجاد مغالطه و تغییر بنیادین در اعتقاد به مهدویت صورت گرفته است. در پی این اتفاق، آمار شبهات مهدویت در آثار مختلف تحلیل‌گران مهدویت که از دایره تشیع بیرون هستند، افزایش داشته است. قفاری، خمیس، کاتب و... به ویژه در فضای مجازی به صورت هیجانی و افراطی به شبهات دامن زده‌اند؛ علاوه بر این که عدم توانایی پاسخگویی شیعه به این شبهات عنوان می‌گردد.

نفوذ افکار باطل در عرصه مهدویت، اعتقادات جوانانی را که احساسات آن‌ها با حالتی هیجان‌زده، تحریک شده، تا حدودی خدشه دار کرده است. حضور فعال برخی افراد مانند احمد کاتب در برنامه‌های مخرب شبکه‌های معاند، از جمله شبکه وهابی «کلمه» روند افزایشی داشته است.^۱ او با همکاری کارشناس مجری شبکه وهابی تلاش می‌کند با تحلیل‌های جاهلانه و ظالمانه علیه مهدویت، خوانشی خاص از این آموزه برای مخاطب داشته باشد. تأکید رسانه‌های وهابی بر شخصیت‌سازی احمد کاتب و معرفی او به عنوان روشنگر و تجربه‌گری که اعتقاد شیعی به مهدویت داشته و این آموزه را با دل و جان لمس کرده است؛ به مخاطب القا می‌کند که بازگشت کاتب از اعتقادات شیعی و گرایش به وهابیت، نتیجه تحلیل‌روایی و روشنفکری اوست. آنان با به کار بستن ترفند شیطانی نقد پاسخ‌های کارشناسی ارائه شده به شبهات مهدویت را در رسانه‌های خود ضعیف جلوه می‌دهند. این اقدام، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطب را سخت کرده است.

با رصد شبهات و مطالعه میدانی در عرصه مهدویت، درمی‌یابیم که شبهه‌گران به صورت پیچیده‌ای به مخاطب القا می‌کنند که روایات مهدویت، گویای مسائل متعارض است. از منظر

۱. کاتب در برنامه شاه کلید، به عنوان کارشناس مسئله مهدویت ایفای نقش می‌کند.

آنان، امام مهدی همانند پیامبر و ائمه علیهم السلام قبل از خود چهره رحمانی در جامعه ندارد. رفتار او در مقایسه با رفتار پیامبر با مردم، تفاوت قابل توجهی دارد؛ به گونه‌ای که انسان نمی‌تواند آن حضرت را با این رفتار از تبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بداند! چرا که بر خلاف پدرانش مهربان نیست و با خشونت رفتار می‌کند تا آن جا که برای سرکوب مخالفان به کشتار وسیع دست می‌زند و اهل مدارا هم نیست؛ در نتیجه پناه مردم به شمار نمی‌آید. کاتب در برنامه «شاه‌کلید» مدعی است: «امام مهدی از نظر شیعه قائم به حق است؛ اما با قتل‌هایی که انجام می‌دهد، بهتر است به او لقب قاتل بدهیم» (rasadtv.ir).^۱ طراح شبهه به مخاطب چنین القا می‌کند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با یک جانبه‌گرایی و تعصبی که به شیعیان دارد، با عامه و توده‌های مردم رفتاری دور از انتظار دارد و نه تنها رحمت به شمار نمی‌آید، بلکه برای آنان نعمت و عذاب است! در این میان، مخاطب از بررسی و مرور پیش‌فرض‌ها و تحلیل شبهه و بازیابی حقیقت باز می‌ماند و در جنگی شناختی، شبهه را گزاره‌ای منطقی تلقی می‌کند.

با دقت در مشاهدات عینی و رصد شبهات مطرح از سوی کاتب، می‌توان دریافت او و همفکرانش در پی ارائه خوانشی خاص از مهدویت و برداشت نامعقولی از این آموزه هستند. در حقیقت، این اقدام، توجیهی برای کشتارهای وسیع در تاریخ و خدشه دار کردن مهدویت است. او با تهییج مخاطب و برانگیختن حس تنفر از خشونت مخاطب در زمینه قهر و غضب امام مهدی تلاش می‌کند، ترس و نفرت از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، را در اذهان معتقدان ضعیف، به ویژه نسل جوان نهادینه کند.

به همین لحاظ، این پژوهش با نگرش نقادانه به دیدگاه افراطی کاتب در مورد کشتار وسیع از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌پردازد. چگونگی نقد دیدگاه احمدکاتب در خصوص کشتار وسیع از سوی امام مهدی و راهکار زدودن این شبهه سوال اصلی مقاله است.



۱. این شبهه قبلاً توسط ناصر القفاری در کتاب اصول مذهب شیعه مطرح شده و کاتب با تأکید بر آن با جسارت بیش‌تر و بدون هرگونه ملاحظه علمی و اخلاق حرفه‌ای به آن پرداخته است (ر.ک: اصول مذهب شیعه، ص ۱۰۶۴).

پیشینه پژوهش

نگرش نقادانه به ادعاهای کاتب، به موضوعاتی معطوف است که او به آن‌ها می‌پردازد. پژوهش حاضر، دیدگاه کاتب را در دیدگاه‌های شفاهی او با تمرکز بر کشتار وسیع از سوی امام مهدی دنبال می‌کند. با توجه به عدم انتشار دیدگاه‌های اخیر او، پیشینه مستقلاً در این زمینه یافت نشد.^۱ با وجود این، در میان پژوهش‌های پیشین، استاد نجم‌الدین طبری در «درنگی در روایات قتل‌های آغازین دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، به اجمال، روایات دال بر قهر و خشونت در سیره امام دوازدهم علیه السلام را مطرح کرده و نقل چنین روایاتی را غرض‌ورزانه دانسته است (طبری و واعظی، ۱۳۸۶: ص ۳۵۵-۳۸۶).

بیدگلی و ملاحسنی نیز در مقاله «روایات خشونت مهدوی در بوته نقد» با رویکرد نقادانه، ارائه تصویر خشن از امام مهدی را از سوی افراد کذابی دانسته که به دور از انصاف و عدالت، با رویکرد افراط و تفریط به ترسیم سیره امام مهدی پرداخته‌اند (بیدگلی و ملاحسنی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۷-۱۶۸).

آیتی در پژوهشی تحت عنوان «دلیل روشن»، به منظور پاسخ به شبهات قفاری به این نکته اشاره کرده است که سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با کتاب و سنت هماهنگ است و پیش‌فرض‌ها، اصول و اهدافی دارد که قیام آن حضرت بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد و به موجب آن، ولایت و حکمرانی دینی تجلی جهانی پیدا می‌کند.

جواد جعفری در پاسخ به شبهات کلامی کاتب، در پژوهشی به نام «حدیث حضور» به این نکته رسیده است که احمد کاتب با جاهلیت، به سخنگوی وهابیت تبدیل شده است و آنچه را در زمینه مهدویت به او دیکته می‌شود، بازگو می‌کند.

دستاورد پژوهش‌های انجام شده، ضعیف دانستن روایاتی است که تصویری خشن از سیره

^۱ دیدگاه‌های شفاهی کاتب از سایت (rasadtv.ir) وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها دریافت شده است. به این لحاظ، مستندات مربوط به دیدگاه او از مشاهده فیلم‌های در حال پخش او از شبکه‌های معاند ارائه شده که تا زمان تدوین این مقاله مکتوب نشده است و لذا مقاله حاضر در ارائه مستندات شبهه، به آدرس دهی به سایت مذکور (rasadtv.ir) ناگزیر است.

امام مهدی ارائه می‌کنند. کاتب با دست یازیدن به این مسئله، روایتی جهت‌دار از سیره امام مهدی پیش گرفته و با اتکا بر این نتیجه از آن به عنوان مؤلفه آسیب استفاده و مغالطه‌ای جدید مطرح کرده و مدعی شده است مهدویت با توجه به دیدگاه محققان شیعه، بر پایه روایات ضعیف شکل گرفته است. او با این ادعا، اصل مهدویت را نشانه رفته و شیعه را به سست بودن بنیادهای این اندیشه و مستندات آن متهم می‌کند. او و همدستانش به منظور انکار مهدویت، وجود روایات مورد بحث در کتاب‌های معتبر و منابع دست اول مهدویت را دست‌مایه دیگری برای القای شبهه قرار داده‌اند تا از این طریق نیز، خشونت از سیره امام مهدی، تحلیلی مستند، به شمار آید. از جمله این کتاب‌ها، غیبت نعمانی، کمال‌الدین صدوق، غیبت شیخ طوسی و سیدمرتضی است که در صورت تأیید محتوای آن‌ها، خشونت در سیره امام مهدی را تأیید کرده و بر ادعای شبهه‌گران صحه گذاشته‌اند و در صورت رد محتوای آن‌ها، منابع دست اول و معتبر در عرصه مهدویت را با تردید مواجه می‌کند. به همین لحاظ، در پژوهش حاضر، با تمرکز بر منطق فهم حدیث و اهتمام به خانواده حدیث، به تحلیل دیدگاه کاتب و مستندات او در این زمینه پرداخته می‌شود.

از این رو برای شبهه‌زدایی از ذهن مخاطب، لازم است ضمن تشکیل خانواده حدیثی^۱ و دسته‌بندی منظم روایات، تحلیل دقیق‌تری از آن‌ها صورت گیرد. تحلیل روایات، گویای آن است که روایات مذکور به پیش‌فرض ذهنی راویان و یا حس درونی آن‌ها و همچنین به گزاره‌های منطقی ناظرند و در صدد بیان کشتار وسیع از سوی امام مهدی نیستند؛ حتی روایاتی که کاتب برای ارائه تصویر خشن از سیمای امام مهدی به آن‌ها استناد می‌کند، به واقعیاتی می‌پردازند که اقتضای برخورد مقتدرانه امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با دشمنان الهی است و کاتب بدون

۱. منظور از «خانواده حدیثی» مجموع روایاتی هستند که در آن‌ها به سیره مقتدرانه امام مهدی پرداخته شده است. در این رویکرد، علاوه بر نوع برخورد، دلیل برخورد، غریب الحدیث و تاریخ‌گذاری حدیث، در موضوع مورد نظر، مورد توجه قرار می‌گیرد. این موارد به ما کمک می‌کند تا منشأ روایت‌های خاص از مهدویت را شناسایی کنیم. با اتکا بر این گونه تحلیل حدیث، متوجه می‌شویم شبهه کشتار وسیع در گذشته مطرح نبوده است. این، بدان معناست که خوانش کاتب از سیره امام با رویکرد ارائه سیره خشن و خدشه دار کردن مهدویت صورت گرفته است. از آن‌جا که روایات با رویکرد خانواده حدیثی تبویب نشده‌اند، دسته‌بندی روایات به تناسب محتوای آن‌ها و ارتباط آن‌ها با موضوع صورت می‌گیرد.



در نظر گرفتن این حقیقت، در استفاده از آن‌ها گرفتار سوء برداشت شده است که در ادامه پژوهش به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. روایات ناظر به تحلیل پیش فرض ذهنی راویان، از ظهور

۱-۱. راحت بودن قیام امام مهدی

تأمل در روایات مهدویت نشان می‌دهد، ائمه برای اصلاح پیش فرض‌های ذهنی پیروان خام اندیش و آرمان‌گرایی که غیر واقع بینانه به مقوله مهدویت می‌پردازند، مهدویت را دنبال و به بازنمایی حقیقت و بیان واقعیت سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام می‌کردند. در این گونه روایات، مشاهده می‌شود که راوی تصورات ذهنی خود و یا گروهی را در مورد امام مهدی مطرح می‌کردند و امام با رویکرد تحلیلی و رد دیدگاه آنان، به گوشه‌ای از واقعیت در مورد مهدویت می‌پرداختند، که به طور معمول، راوی انتظار شنیدن آن را نداشت. به عنوان نمونه، امام باقر ع با رد دیدگاه مرجئه، به بشیر(یا بشر) بن ابی اراکه به وضعیت سخت قیام امام مهدی اشاره کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۳).

کاتب بدون توجه به نگرش تحلیلی به این گونه روایات، نتیجه گرفته است که امام مهدی رفتاری دارد که به خشونت و کشتار منجر می‌شود (rasad.tv). او به پرسش راوی از ذهنیت مرجئه و پاسخ امام به او در زمینه وضعیت فکری و تصور اشتباه مرجئه از مهدویت توجهی ندارد. این، در حالی است که آنان با آرمان‌گرایی غیر واقع بینانه براین باور بودند که ظهور امام مهدی امری ساده است و می‌پنداشتند امر ظهور و قیام امام مهدی بدون هرگونه تنش و چالش است و به همین دلیل، امام دوازدهم به برخورد جدی و قاطع با مخالفان نیاز ندارد.

تحلیل روایت نشان می‌دهد بشیر (یا بشر) بن ابی اراکه نبال خدمت امام باقر ع رسیده و در مورد ذهنیت مرجئه به آن حضرت عرض کرده است که مرجئه بر این باورند هنگام ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کار به اندازه‌ای ساده و راحت است که به اندازه حجامت هم خونی ریخته نمی‌شود! امام باقر ع با رد این ادعا به منظور اشاره به سختی و زحمت این رویداد با کشیدن دست بر پیشانی، تأکید کرده است که عرق به همراه خون بسته پاک می‌شود؛ یعنی جنگ هم



در کار است (نعمانی، همان).

وی به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام گفته است که مرجئه می‌پندارند امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با عفو و بدون هیچ درگیری بر امور مسلط می‌شود. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام با رد این ادعا به او فرمودند که اگر این چنین بود برای پیامبر ممکن می‌شد؛ در حالی که دندان‌های آن حضرت شکسته و پیشانی‌شان مجروح شد (همان، ص ۲۸۴).

معمر بن خلاد نیز نقل کرده است: نزد امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام آرزوی قیام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام شد که آن حضرت به آنان یادآوری کردند: «امروز شما در آسودگی خاطر به سر می‌برید؛ اما هنگام قیام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام عرق خون بسته را پاک می‌کنید و روی مرکب استراحت می‌کنید؛ چرا که روش قائم ملایم و مشربش خوشایند نیست» (همان: ص ۲۸۸).

در روایتی دیگر محمد بن مسلم نیز با رویکرد تحلیلی به پیش‌فرض‌های ظهور امام مهدی محضر امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام رسید تا در مورد قائم سؤال کند. آن حضرت پیش از آن که او سؤالش را مطرح کند، به او فرمودند: «شبهات قائم به پیامبر، در خروج او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و پیامبر و سرکشان زورگو است.» تعبیر حضرت چنین است: «وَأَمَّا سَبْهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاعِيَةَ وَ أَنَّهُ يُنْصَرُ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷). این روایت گویای آن است امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در اوج مهربانی و شباهتش به پیامبر، مقتدرانه ظهور می‌کند و تصور جامعه از شباهت امام مهدی به پیامبر، در رحمت و رأفت نسبت به مردم، به معنای عدم قاطعیت در مقابل دشمنان الهی نیست.

زراره نیز در این زمینه از امام باقر روایتی نقل کرده است که بر اساس آن، همانندی سیره امام مهدی با سیره پیامبر به صورت مطلق، بعید دانسته شده و امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام تأکید کرده‌اند که رفتار آن حضرت با اقتدار همراه است؛ چرا که شیوه آن حضرت مبتنی است بر کشتار سرکشان و ستمگران و توبه کسی را قبول نمی‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۱).

دقت در روایات مذکور نشان می‌دهد تصور مرجئه و توده‌های مردم از مهربانی امام مهدی و شباهت آن حضرت به پیامبر، این بوده است که در زمان ظهور به برخورد مقتدرانه و قاطع نیازی نیست و امور جامعه به راحتی در زمان ظهور تحقق می‌پذیرد و تنشی از سوی دشمن



وجود ندارد و یا امام مهدی برای خود دشمن تراشی نمی‌کند تا به برخورد قاطع نیاز باشد. به تعبیر دیگر، این گروه جامعه را با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف همگرا می‌دانستند و واگرایی آن و پس زدن موعود در ذهن آنان نمی‌گنجید. به همین دلیل، ائمه در صدد بیان حقیقت برآمده و با ارائه تصویر واقعی از مهدویت، این حقیقت را آشکار کردند که امام مهدی با چالشی روبه رو می‌شود که برای برطرف کردن آن به برخورد قاطع ناگزیر است و آنان هر گونه شک به این حقیقت را نشانه جهل افراد و بی‌خبری از واقعیت دانستند. شک و تردید در این واقعیت به اندازه‌ای است که عده‌ای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را خارج از تبار پیامبر می‌پندارند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۸۸).

واقعیت آن است که احمد الکاتب از تحلیل این واقعیت بازمانده و نتوانسته است در ورای روایات مذکور، پرسش‌های و پاسخ‌های امام را در مورد دیدگاه مرجئه و امثال آنان تحلیل کند. او فقط بر بازنمایی خشونت امام مهدی در این روایات تأکید کرده است، بی‌آن که به حقیقت اصلی و رد ذهنیت مرجئه توجه کند.

۲-۱. رحمت بودن امام مهدی

به منظور تبیین زوایای پنهان حقایق ظهور امام مهدی، پذیرش برخورد قاطع امام رحمت و مهربانی با منکران و تنبیه آنان، کمی سخت به نظر می‌رسد. نکته قابل تأمل آن است که کاتب، بدون در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های ذهنی روایان و توجه به ذهنیت آنان از ظهور، برخورد مقتدارانه امام مهدی را با سؤال مواجه دانسته و اصرار دارد که مهربانی امام، مانع برخورد قاطع او است (rasad.tv).

تحلیل این گونه روایات، نشان می‌دهد بعضی از افراد جامعه پذیرای حکمرانی امام مهدی نیستند و نه تنها از آن حضرت و شیوه حکومتش استقبال نمی‌کنند، بلکه با انکار حقیقت و عناد و سرسختی در مقابل آن از خود مقاومت نشان می‌دهند. در حقیقت آنان با این رویکرد اجازه نمی‌دهند جریان ظهور، مسیر طبیعی خود را طی کند و در واقع، آنان ظرفیت بهره‌مندی از عطوفت و رحمت امام مهربانی را ندارند و حریم آن حضرت را پاس نمی‌دارند؛ به همین لحاظ، امام مهدی به مقابله با آنان و تنبیه ایشان ناگزیر می‌گردد.

به منظور اشاره به این مطلب، قابل ذکر است که معاویه بن عمار از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف نقل کرده



است که امام مهدی تنبیه‌کننده و انتقام‌گیرنده است. آن حضرت به او فرمودند: «هنگامی که یکی از شما خواهان قائم است، باید آروز کند تمنای او با عافیت همراه باشد؛ چرا که خداوند پیامبر را به رحمت و مهربانی برانگیخت و قائم را عقوبت‌کننده [=انتقام‌گیرنده] ظاهر می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۳۳). کاتب به این نکته توجه ندارد که تعبیر «نقمت» در روایت شریف گویای آن است که امام مهدی، با انکار و پس زدن امامت و حاکمیت امام از سوی بعض مردم مواجه می‌شود که نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. در حقیقت آن حضرت با مقاومت فعال و اقدام دفعی عده‌ای روبه‌ور می‌شود که به برخورد مقتدرانه با این جریان ناچار می‌شود.

مؤید این مطلب، کلام امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام است که بر اساس آن، خداوند امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را به عنوان منتقم و غضب بر بندگان ظاهر می‌کند؛ با این که خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد، مگر بعد از آن که مردم حجت‌الاهی را انکار کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ص ۲۱۳). اشاره به انکار حجت‌الاهی در این حدیث، بر این نکته دلالت دارد که بعضی از مردم، هنگام ظهور امام مهدی او را حجت نمی‌دانند و حتی از این رویکرد پا را فراتر می‌گذارند و حاکمیت آن حضرت را انکار می‌کنند.

۲. روایات ناظر به احساس درونی راویان کشتار وسیع

بخشی از روایات مربوط به کشتار وسیع، شامل سؤالاتی است که به فراخور اطلاعات راوی مطرح است و روایت در حقیقت، گویای حس درونی سؤال‌کننده است و امام در پاسخ تلاش می‌کند باورهای افراطی به کشتار وسیع را از بین ببرد. به عنوان نمونه در سخن امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «امر ظهور محقق نمی‌شود تا این که یک سوم مردم از بین بروند.» به آن حضرت گفته شد: در این صورت چه کسی باقی می‌ماند؟! امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در جواب فرمود: «آیا شما دوست ندارید یک سوم باقی مانده باشید؟!» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۶). تعبیر «فقیل له اذا ذهب ثلث الناس فبا بیتی»، گویای آن است که راوی احساس خوشایندی از کشتار وسیع و توقع شنیدن این سخن را از امام نداشته و با سؤالش در تلاش است تا ناسازگاری ذهنیت خویش را با دریافتش از روایات، برطرف کند و با شاخص قرار دادن سخن امام، باور خویش را اصلاح کند تا حس ناخوشایند راوی نسبت به حقیقت برطرف شود.



احمد الکاتب در مواجهه با این گونه روایات، بدون این که به حس درونی راوی درمورد واقعیت توجه کند و یا تلاش او را برای رسیدن به حقیقت بنگرد؛ به صورت افراطی بر اصل کشتار وسیع به دست امام مهدی در روایات متمرکز می‌شود (rasad.tv). او به تحلیل این واقعیت قادر نیست که امام در صدد اصلاح ذهنیت راوی و تقویت باورهای او درمورد مهدویت است که مبادا با نگرش افراطی به کشتار، چهره مهدویت خدشه دار شود.

کاتب به این حقیقت نرسیده است که امام در اشاره به سیره مقتدارانه امام مهدی در صدد بیان جزئیات و شرح ما وقع نیست بلکه در صدد برطرف کردن احساس ناخوشایند سائل نسبت به قتل و کشتار افراطی از ناحیه امام مهدی است. به همین دلیل در مرحله اول، اصل این واقعیت را رد نمی‌کند و این هوشیاری و توجه را ایجاد می‌کند که عده‌ای بر اثر مخالفت با امام مهدی و یا گرفتاری به فتنه‌ها از بین می‌روند؛ لکن شمار کثیری هم شاهد ظهور امام مهدی هستند. لذا امام در مرحله دوم، برای برطرف کردن نگرانی سائل، اتفاقات ناخوشایند و خشونت امام مهدی را شامل حال پیروان آن حضرت نمی‌داند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۶)؛ تا احساس درونی سائل نسبت به ظهور از حالتی منفی و همراه با نگرانی، به حالت مثبت آسودگی خاطر تبدیل شود. به این لحاظ، امام صادق بر آمار فوتی و کشته‌های مورد اشاره راویان صحه نمی‌گذارد و به آن‌ها نمی‌پردازد.

علاوه بر این، تعبیر «أَمَا تَرَضُّونَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي» (همان)؛ می‌تواند با روایات باب تمحیص هماهنگ و به معنای رسیدن جامعه به پذیرش امامت امام مهدی و از بین رفتن موانع حکمرانی امام باشد؛ چنان که در روایات آمده است: حتی یاران خاص امام مهدی، پس از مشاهده عهدنامه‌ای که آن حضرت به آن‌ها نشان می‌دهد، از اطراف حضرتش پراکنده می‌شوند و پس از بررسی و کاوش بسیار، حقانیت امام مهدی بر آنان ثابت می‌شود و نزد او باز می‌گردند (همان، ص ۶۷۲). به این لحاظ، روایت مذکور و امثال آن به کشتار وسیع از سوی امام مهدی ارتباطی ندارد؛ اما کاتب در مواجهه با روایات مذکور، آن‌ها را به کشتار عامه ناظر دانسته و معتقد است روایات از ناحیه ائمه با یک جانبه‌گرایی به نفع شیعه صادر شده‌اند. او به ذهنیت روایان و کنشگری آنان در جست‌وجوی حقیقت توجهی ندارد و تلاش می‌کند ذهن آنان را عرصه جنگ با مهدویت قرار دهد.

۳. روایات گزینشی ناظر به جنگ شناختی با مهدویت

تحلیل روایات مهدویت نشان می‌دهد، کاتب و همفکرانش بخشی از روایات مرتبط با کشتار وسیع و برخورد قاطع امام مهدی را با رویکرد مبارزه با مهدویت گزینش کرده‌اند. انتساب این روایات به ائمه بدون اشکال نیست و محتوای آن‌ها با سایر روایات مهدوی سازگاری ندارد؛ به ویژه که برخی از آن‌ها از منابع چندان معتبری نیز نقل نشده‌اند. در این گونه روایات، تصویری هراس‌انگیز از ظهور ترسیم شده است تا ذهن مخاطب پذیرای مهدویت نباشد، لذا این روایات گزاره‌هایی را شامل هستند که منطقی به نظر نمی‌رسند و در بدو امر، شائبه جعل در آن‌ها تقویت می‌شود. شناسایی روایت جهت‌دار از مهدویت و خنثا کردن شبهه در این گونه روایات، از اهمیت بالایی برخوردار است. در حقیقت، این اقدام به کشف واقعیت کمک می‌کند. این، در حالی است که کاتب با مهارتی شیطنت‌آمیز و با غرض ورزی افراط گونه به منظور خدشه دار کردن چهره مهدویت برای اثبات خشونت امام مهدی به روایاتی استناد می‌کند که بر فرض صحت، محملی برای پذیرش آن‌ها وجود ندارد (rasad.tv). در ادامه پژوهش به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱. کشتار به اندازه جاری شدن خون تا ساق پا

کاتب برای ارائه تصویری از کشتار افراطی و ترسیم سیمایی وحشتناک از امام مهدی، روایت عبدالله بن سنان از امام صادق را دستمایه خود قرار داده است. طبق این روایت، قائم به اندازه‌ای قتل و کشتار به راه می‌اندازد که تا ساق پا در خون فرو می‌رود (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۲۱۴). این روایت از جنبه سند مرفوع و به لحاظ دلالت نیز ناقص است؛ زیرا «سوق» چه جمع «ساق» (ساق پا) باشد و یا بر محلی در کوفه اطلاق شود و یا به بازار منصرف باشد؛ تعبیری کنایی از جاری شدن و ریختن خون فراوان است؛ به گونه‌ای که ساق پای انسان هنگام عبور در آن فرو می‌رود و به آن آغشته می‌شود. براین اساس، استناد به روایت مذکور، به منظور ارائه تصویری ناخوشایند و وحشناک از ظهور امام مهدی، مورد توجه قرار گرفته و در حقیقت این گونه تحلیل از سیره امام مهدی حصرگرایی سیره آن حضرت در رفتار خشونت‌آمیز است.

۳-۲. کشتار عرب

کاتب در پی اثبات ادعای خود با کلی نگری به روایات، به حدیث رفید از امام صادق استناد



(rasad.tv) و نتیجه می‌گیرد که امام مهدی با عرب، طبق «جفر سرخ»، برخورد می‌کند و امام صادق علیه السلام جفر سرخ را بر خلاف «جفر ابیض» دانسته و با اشاره به حلقش منظور از آن را ذبح معرفی کرده‌اند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۴).

برای محققان واضح است که استناد منبع به مؤلف پذیرفته نشده است. علاوه بر این، جستار در روایات معطوف به برخورد قاطع امام مهدی با عرب، نشان می‌دهد مبارزه مقتدرانه و قاطع امام مهدی چنان که امام باقر علیه السلام فرموده‌اند با طغیان‌گران عرب است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۴). تعبیر «وَيْلٌ لِّطُغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ افْتَرَبَ» (همان)؛ گویای آن است که منطق عدالت مهدوی اقتضا می‌کند، امام مهدی با طغیان‌گران سرکش مقتدرانه برخورد کند (همان).

در خانواده حدیثی این روایات، ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است: «برخورد امام مهدی با عرب شدید است» (همان، ص ۲۳۵). تعبیر «عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلُ» به صورت کنایی بر گزاره منطقی پیروزی شکوهمندانه امام مهدی بر سرکشان و طغیان‌گران دلالت دارد.

تأمل در روایات با لحن مذکور، گویای آن است که امام مهدی با شمشیر، سرکشان را به ذلت می‌کشد و آنان را مطیع امر خود می‌کند. تعبیر «سیف» کنایه از صلابت و شکوه و قدرت آن حضرت است که به درگیری بین امام و سرکشان خواری طغیان‌گران و پیروزی امام مهدی منجر می‌شود.^۱ همچنین تعبیر «لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلُ»، به معنای آن است که برخورد مقتدرانه امام مهدی با سرکشان عرب، امکان هرگونه حرکتی را از ایشان سلب می‌کند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۵، ص ۲۳۱) و آن‌ها را از تقابل با آن حضرت باز می‌دارد. به این لحاظ، روایات مذکور، در مقام بیان قیام مقتدرانه امام مهدی است؛ اما کاتب با تمرکز بر این گونه روایات، در صدد است درک مخاطب را از امام مهدی خدشه‌دار کند و تلقی قاتل از امام قائم عجل الله تعالی فرجه الیه را در ذهن او جای دهد.

بسی جای تعجب است که کاتب به هدایت عرب به دست امام مهدی (طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۶۹) و اتمام حجت بر آنان هیچ اشاره‌ای نمی‌کند و بر ثابت کردن کشتار عرب به دست امام

۱. براساس کتاب‌های لغت، «سیف» به حریفی که که در میدان مبارزه قامت بلندتری دارد و میدان مبارزه را دست دارد و در واقع به معنای پیروز میدان اطلاق می‌شود (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۳۹۴).

مهدی اصرار دارد.

۳-۳. کشتار مردم شهرهای سیزده‌گانه

کاتب روایت دال بر کشتار مردم در سیزده منطقه را دستمایه ادعای خود قرار داده است (rasad.tv). او به استناد این روایت امام مهدی را به کشتار وسیع متهم می‌کند. حدیث مورد نظر او را یعقوب سراج از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که بر اساس آن، سیزده شهر و طایفه با امام مهدی به محاربه و جنگ می‌پردازند و امام مهدی نیز با آنان جنگ می‌کند. مهدی ستیزان از شهرهای مکه، مدینه، شام، بصره، دستمیسان، ضبه، غنی، باهله، ازد و ری و نیز از بنی امیه، کردها و عرب‌ها هستند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۹۹). جدا از اعتبار این روایت، دقت در تعبیر «يُحَارِبُ الْقَائِمَ أَهْلَهَا وَ يُحَارِبُونَهُ» در روایت مذکور، نشان می‌دهد که اهالی این مناطق در مقابل امام مهدی می‌ایستند و آن حضرت به مواجهه با آنان ناگزیر می‌شود. در حقیقت، از روایت پیش‌گفته به صورت کلی استفاده می‌شود که ایشان پذیرای امام مهدی و حکمرانی مهدوی نیستند و به همین لحاظ امام مهدی به مقابله با آن‌ها ناچار می‌شود. این، در حالی است که کاتب هیچ تصویری از مقابله و محاربه گروه‌های مذکور با امام مهدی ارائه نمی‌کند؛ اما با مهارت خاصی بر کشتار مردم آن مناطق انگشت می‌گذارد تا تصویری خشن از مهدویت در ذهن مخاطب شکل دهد و به مقصودش در ستیز با مهدویت دست یابد. او به خوبی دریافته است که برخورد مقتدرانه امام مهدی با گستره وسیعی از گروه‌های مختلف، تصویری ناخوشایند از امام در ذهن مخاطب خلق می‌کند و آن حضرت را تشنه خون مردم جلوه می‌دهد؛ با این‌که ذره‌ای صداقت کافی بود تا روایت مذکور را بر مقیده‌های متعددی حمل کند که در آن‌ها به رحمت و تعامل سازنده امام مهدی با مردم اشاره شده است.

۳-۴. کشتار رومیان و جریان یافتن خون آن‌ها در فرات

کاتب مدعی شده است که امام مهدی با کشتار رومیان در فرات، رنگ آب آن را تغییر می‌دهد (rasad.tv). او با اشاره به روایتی از امام علی علیه السلام نقل کرده است که امام مهدی در مواجهه با رومیان به اندازه‌ای از آنان می‌کشد که رنگ آب فرات به رنگ خون تغییر می‌یابد. در پی این اتفاق، دروازه روم گشوده می‌شود و پنجاه هزار رومی در این شهر کشته خواهند شد (حائری،



۱۴۲۲: ج ۲، ص ۲۳۸). اعتبار این روایت و منبع آن به دلیل استناد کتاب به مؤلف و روایات غیر مستند، به طور جد محل تردید است. این احتمال وجود دارد که با توجه به گشودن دروازه روم ممکن است رومیان در مقابل امام مهدی مقاومت کنند و از پذیرش حکمرانی آن حضرت سر باز زنند؛ لکن چنان که در برخی روایات آمده است، رومیان حقایقی را مشاهده می‌کنند که براساس آن حقایق، به حقانیت امام مهدی پی می‌برند و دروازه روم را بر ایشان می‌گشایند؛ هرچند با شناختی که از کاتب به دست آمده است، جای تعجب نیست که او برای تخریب چهره مهدویت چنین روایتی را مطرح تا تصویری خشن از مهدویت و هراس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دل مسیحیان ایجاد کرده باشد. کاتب برای ایجاد انگیزش بیش‌تر جنگ شناختی با مهدویت، به نقش آفرینی حضرت عیسی و جایگاه ویژه او هنگام ظهور اشاره‌ای نمی‌کند و ترجیح می‌دهد گرایش مسیحیان به امام مهدی را مطرح نکند تا تصویر ناخوشایندی که مخاطب از حضرت مهدی در ذهن دارد، همچنان باقی بماند. بنابراین، استناد به چنین روایاتی برای ارائه سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جز ستیز با مهدویت و روایت خاص از این مسئله توجیه دیگری ندارد و هدفی جز جنگ شناختی با مهدویت در ورای آن‌ها تصور نمی‌شود.

۴. روایات ناظر به تحلیل و استدلال بر برخورد مقتدارانه امام مهدی با مخالفان

تحلیل روایات معطوف به سیره امام مهدی و برخورد مقتدارانه آن حضرت با رد نگرش افراطی به کشتار وسیع؛ انتقام از ظالمان و مبارزه با دشمنان را تأیید می‌کند. هرچند در بعضی از روایات به جزئیات و ارائه تصویرهایی خاص پرداخته شده است که مخاطب انتظار رویارویی با آن را ندارد؛ واقعیت آن است که این اقدام بدون علت نیست. با وجود این، جای بسی تعجب است که کاتب به دلایل منجر به برخورد مقتدارانه امام مهدی هیچ‌گونه توجهی ندارد و با غرض ورزی و بی‌انصافی بر خشن جلوه دادن سیره امام مهدی تلاش می‌ورزد. در ادامه تحقیق به روایاتی اشاره می‌شود که علل منجر به برخورد قاطع امام مهدی در آن‌ها مطرح شده است؛ اما کاتب بدون اشاره به دلایل برخورد امام مهدی با مخالفان، از آن‌ها عبور کرده است.



۴-۱. هدر بودن خون مخالفان دولت امام مهدی

کاتب در تلاش خود برای ارائه روایت خشن از قیام امام مهدی به استناد روایتی از امام صادق، خون مخالفان دولت امام مهدی را هدر دانسته و بدون هیچ دلیلی مصداق مخالفان را به اهل سنت تطبیق داده است (rasad.tv). او می‌گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان: «ما لمن خالفنا في دولتنا من نصيب»؛ از برخورد قاطع با مخالفان دولت امام مهدی پرده بر می‌دارد (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۲۱۲). استفاده از تعبیر «قد احل لنا دمائهم» (همان)؛ به وضوح بر کشتار مخالفان دلالت دارد. در حقیقت، کاتب بدون توجه به تعلیل «ما لمن خالفنا»، راه یک جانبه‌گرایی در پیش گرفته است. او نه تنها به کنشگری مخالفان دولت امام مهدی و فعالیت مخرب آنان توجهی نکرده است، بلکه روی‌گردانی مخالفان دولت امام مهدی در قبول حکمرانی امام مهدی و رفتار خصمانه آنان در مقابل آن حضرت را نیز افشا نمی‌کند. در حقیقت، دشمنان در مقابل دولت اسلام حقیقی پرچم کفر را برافراشته و موجبات اقدام علیه خویش را فراهم می‌آورند.

۴-۲. کشتار فاجران قریش

کاتب در تصویری که از سیره امام مهدی ارائه می‌کند، برخورد قاطع آن حضرت را با قریش بسیار خشن و توأم با کشتار وسیع می‌داند (rasad.tv). البته او در ارائه این قسمت از دیدگاه خود تحلیلی ارائه نمی‌کند و به علت برخورد مقتدارانه امام مهدی با قریش نمی‌پردازد. او از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایتی آورده است، مبنی بر این که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ کشتار را از قریش شروع می‌کند. جالب توجه این که در همین روایت آمده است: «امام مهدی از قریش جز شمشیر دریافت نمی‌کند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۳)؛ لکن کاتب بدون توجه به آغاز شورش قریش علیه امام مهدی و با بی‌توجهی به تقدم تعبیر «فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ»؛ بر «وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفُ» در روایت مذکور؛ فقط خشونت امام مهدی را مطرح کرده است و رفتار آن حضرت را علیه قریش غیر منصفانه می‌داند.

کاتب مدعی است امام مهدی قریش را می‌خواند و پس از بازخواست ایشان، سه هزار، هر بار، پانصد نفر از آنان را در شش مرحله گردن می‌زند (rasad.tv). روایت مورد نظر او را عبدالله بن مغیره از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده است (مفید، ۱۴۱۳ الف: ج ۲، ص ۳۸۳). کاتب این‌جا نیز با



نادیده گرفتن تعبیر «أَقَامَ حَمْسِمَائَةَ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ توجه نمی‌کند که طبق این روایت، امام مهدی از قریش مطالبه‌ای دارد که آن‌ها به خواسته حضرت گردن نمی‌نهند و امام مهدی به رغم اقامه برهان بر ایشان، به دلیل تمرد آنان به رویارویی با ایشان ناچار می‌شود.

حارث اعور همدانی نیز با اشاره به خواری قریش در روایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، علت زبون شدن قریش و نوشاندن جام صبر (شرنگ)^۱ به ایشان را فجور و رویگردانی قریش از امام مهدی دانسته است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۲۹). در حقیقت، این اقدام، گویای تقابل با حکمرانی و برنتابیدن امامت امام مهدی است و گویای عدم همگرایی این جریان با ظهور است و به همین دلیل، امام با ایشان مقابله می‌کند (همان).

قرار دادن دیدگاه کاتب در بوته نقد نشان می‌دهد او به حمل روایات مطلق بر مقید تمایلی ندارد و از تعلیل مورد اشاره در روایات نیز بهره‌ای نمی‌برد و با تمرکز بر خشونت رفتاری امام مهدی در برابر قریش، تلاش می‌کند امام مهدی را از تبار قریش بیرون ببرد تا این طریق، امامت او و شباهتش را به پیامبر خدشه‌دار باشد؛ در حالی که تحلیل روایات گویای آن است که مجموعه منسجم در قبایل قریش با امام مهدی تعامل سازنده‌ای ندارند و بخش قابل توجهی از ایشان، بدون اهتمام به هم‌تبار بودنشان با امام مهدی، از امامت حضرتش رویگردان و آغازگر شورش علیه آن حضرت می‌شوند و مواضع خصمانه ایشان در مقابل امام مهدی، موجب می‌شود مشمول برخورد مقتدارانه از سوی امام مهربانی قرار گیرند.

درحقیقت، کاتب از تحلیل این حقیقت بازمانده است که امام مهدی با توده مردم کاری ندارند و بنای ایشان بر کشتار بیگناهان نیست؛ لکن آن حضرت با دشمنان خدا و پیامبر به صورت مقتدارانه برخورد می‌کنند. محمدبن مسلم در این زمینه از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین نقل کرده است: «امام مهدی دشمنان الهی را به قتل می‌رساند» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷). تعبیر «فَخَرَّوْجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتَلَهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْجَبَّارِينَ وَ الظَّوْغِيَّتَ»؛ بر این نکته دلالت دارد که آنچه در این میان موضوعیت دارد؛ از بین بردن دشمنان خدا و رسول و زورگویانی است که بنا بر طغیان و سرکشی گذاشته‌اند.

۱. این تعبیر کنایه از عذاب دردناک است.

۳-۴. مقابله با منافقان

کاتب مدعی است تبلور خشم امام مهدی در مورد منافقان و اجرای حد بر آنان، اتفاقی است که از ناحیه هیچ امام و پیامبری ملاحظه نمی‌شود (rasad.tv). به همین لحاظ، نمی‌توان پذیرفت امام مهدی همانند پیامبر مهربان است و شبیه او رفتار می‌کند. او مدعی است امام صادق علیه السلام «نفاق» را موجب خشم امام مهدی دانسته است. این پدیده تا آنجا امام مهدی را می‌آزارد که وقتی قیام می‌کند، تقیه را کنار می‌گذارد و بر اهل نفاق، حد الهی را جاری می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۷۲).

تحلیل روایت، دال بر اجرای حد نفاق به دست امام مهدی نشان می‌دهد: مردم برای نصرت امام مهدی فراخوانده می‌شوند؛ ولی آن‌ها به بهانه تقیه از یاری کردن آن حضرت سرباز می‌زنند و همین مسئله موجب آزرده شدن امام مهدی می‌گردد و ایشان بر منافقان حد جاری می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که برفرض طبق برداشت کاتب حد نفاق، قتل باشد، صرف نظر از دیدگاه جانبدارانه و افراطی او باید گفت اجرای حد نفاق، عمومی نیست و لذا برخورد قاطع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با کسانی است که از یاری آن حضرت سرباز می‌زنند و شامل حال همگان نیست تا کشتار وسیع را ثابت کند.

۴-۴. کشتار بتریه

کاتب مدعی است امام مهدی با فقها و قاریان قرآن نیز برخوردی مقتدرانه دارد و آن‌ها را مورد قهر و غضب قرار می‌دهد (rasad.tv). البته او برای ارائه محملی برای این سخن، مدعی است شیعه به برخورد امام مهدی با فقها و قاریان قرآن سنی قائل است؛ اما شاهد معتبری براین ادعا ارائه نمی‌کند. روایتی که او به آن استناد می‌کند، در مورد «بتریه» است. آنان رویکرد نفاق پیش گرفته و خود را از امام مهدی بی‌نیاز می‌دانند و از او می‌خواهند، برگردد. دقت در روایت نشان می‌دهد آنچه امام مهدی را به استفاده از شمشیر در مقابل بتریه می‌کند؛ خروج آنان علیه امام

۱. «بتریه» در پی تفکر سلیمان جریر و یا کثیر النوا منکر ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام هستند و به امامت او و سایر ائمه قائل نیستند (شهرستانی، ملل و نحل، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۶۱).



مهدی است. تعبیر گستاخانه «كُلُّهُمْ يَقُولُونَ: يَا ابْنَ فَاطِمَةَ، اِرْجِعْ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ» (طبری، ۱۴۱۳: ص ۴۵۶)؛ گویای آن است که بتریه جایگاهی برای امام مهدی قائل نیستند و از دیدگاه آنان، امام کارکردی ندارد؛ به همین لحاظ، از منظر آن‌ها وجود امام ضرورتی ندارد. ایجاد این فکر در جامعه و جریان این خطای راهبردی از سوی آنان، برخورد امام مهدی با آن‌ها و کشتار ایشان را موجب می‌گردد.

واقعیت آن است که دقیقاً معلوم نیست امروزه فرقه «بتریه» بر کدام گروه منحرف در عرصه مهدویت قابل اطلاق است؛ اثبات حیات آنان نیز کار آسانی نیست. عجیب‌تر آن است که معلوم نیست کاتب با چه انگیزه‌ای مدعی است امام مهدی با فقها و قاریان قرآن قاطعانه برخورد می‌کند. اگر منظور او مبارزه امام مهدی با افرادی است که قرآن را علیه امام مهدی تأویل می‌برند؛ به جا بود به این مطلب اشاره‌ای داشته باشد؛ اما او بدون اشاره به این حقیقت و بدون توجه به تقابل این دسته از فقها با امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ، فقط به ارائه تصویر عملکرد امام مهدی، به استناد کشتار بتریه بسنده می‌کند و بر رویکرد افراطی به کشتار وسیع از سوی امام مهدی اصرار می‌ورزد تا از این طریق، چهره امام مهدی را خدشه دار کند.

۴-۵. کشتار مخالفان با قیام امام مهدی

کاتب مدعی است امام مهدی، مخالفانش را بر نمی‌تابد و با آنان قاطعانه برخورد می‌کند (rasad.tv). او در این زمینه به روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره می‌کند:

هنگامی که قائم به دروازه کوفه می‌رسد، به مکانی اشاره می‌کند تا آن را حفر کنند؛ از آن جا دوازده هزار اسلحه [= شمشیر، رزه و سپر] بیرون آورده می‌شود و بر تن می‌کنند. سپس به ایشان گفته می‌شود، هر آن که پوششی همانند شما ندارد، او را بکشید (مفید، ۱۴۱۳ ب: ص ۳۳۴).

تحلیل روایت مذکور نشان می‌دهد، موضوع آن، به مدافعان و رزمندگان در رکاب امام مهدی مربوط است و آنان عازم پیکار با مخالفان هستند. در این میان، گروهی هستند که با یاران حضرت همراهی نمی‌کنند تعبیر «مَنْ يَقُولُ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْكُمْ فَاقْتُلُوهُ» (همان)؛ در حدیث مذکور، نشان می‌دهد آنان نه با حکومت امام همراه می‌شوند و نه با دشمنان مقابله



می‌کنند. در حقیقت، این اقدام، همراهی با دشمنان امام مهدی و مخالفت عملی با آن حضرت است و لذا آن حضرت به کشتن آن‌ها دستور می‌دهد.

گذشته از این، روایت پیش‌گفته نسبت به روایات دال بر برخورد قاطع امام مهدی با مخالفان بسیار کلی است و به مراحل برخورد امام مهدی با آن‌ها اشاره‌ای ندارد و از این لحاظ نمی‌توان به آن استناد کرد. در حقیقت، کاتب بدون در نظر گرفتن روایات دال بر هدایت و اتمام حجت امام با مخالفان، در مورد سیره امام مهدی قضاوت می‌کند. واقعیت آن است که او با نادیده گرفتن خانواده حدیثی روایات، از فهم حقیقت در مورد سیره امام مهدی باز مانده است و نگرشی افراطی به کشتار وسیع از سوی امام مهدی دارد. او توقع دارد امام مهدی جامعه را فدای افرادی کند که استحقاق حاکمیت مهدوی را ندارند؛ در حالی که در سیره انبیا و اولیا مصلحت جامعه بر مصلحت فرد ترجیح دارد.



نتیجه‌گیری

نگرش نقادانه به دیدگاه کاتب در مورد کشتار وسیع از سوی امام مهدی نشان می‌دهد که آن حضرت هنگام قیام با هیچ گروهی ابتدا برخورد قهر آمیز ندارند و به هیچ وجه آغازگر کشتار نیستند. در معدود مواردی که کشتار روی می‌دهد، این مهدی‌ستیزان هستند که به مبارزه با امام مهدی برمی‌خیزند و به دلیل این که مانع رسیدن خیر و سعادت به جامعه می‌شوند، مشمول برخورد مقتدرانه امام مهدی می‌گردند. این، در حالی است که کاتب در پی اثبات ادعای خود با رویکرد افراطی به روایاتی استناد می‌کند که بتواند بر پایه آن‌ها روایت خاص و مورد نظر خود را از مهدویت ارائه کند. گذشته از این، او به خانواده حدیث در روایات مورد بحث هیچ گونه توجهی ندارد. کاتب به آنچه روایات در صدد بیان آن هستند، توجه نمی‌کند و به علل برخورد قاطع امام مهدی با ظالمان نیز عنایتی ندارد. او فقط در پی خدشه دار کردن چهره امام مهدی و حقیقت قیام او با ارائه تصویری خشن از سیره امام مهدی است؛ در حالی که روایات مورد استناد وی با توجه به منطق فهم حدیث، به حقایقی می‌پردازند که پس از تحلیل آن‌ها روشن می‌شود. امام مهدی برای مردم موجب رحمت هستند و با آنان با مهربانی برخورد می‌کنند و سیره آن حضرت با سیره پیامبر و ائمه پیش از او تفاوتی ندارد. برخورد مقتدرانه ایشان نیز افراد معدودی را شامل می‌شود که از راه حق کناره گرفته و حکومت آن حضرت را تاب نمی‌آورند و در مقابلش قرار می‌گیرند.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). *الاعتقادات فی دین الامامیه*، قم، المؤتمر العالمی شیخ مفید.
۲. _____ (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، نشر الاسلامیه.
۳. ابن عباد، صاحب (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغه*، بیروت، نشر عالم الکتاب.
۴. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۳). *دلیل روشن*، قم، آینه روشن.
۵. جعفری، جواد (۱۳۹۴). *حدیث حضور*، قم، آینه روشن.
۶. دیاری بیدگلی، محمد تقی و ملاحسنی، داود (بهار ۱۳۹۳). «روایات «خشونت مهدوی» در بوته نقد»، فصلنامه پژوهش های مهدوی، ش ۸.
۷. راغب، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات*، بیروت، دارالقلم.
۸. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، قم، نشر مرعشی نجفی.
۹. طبسی نجم الدین و واعظی، حسن (بهار و تابستان ۱۳۸۴). «کاوشی در خبر سعد بن عبدالله (اشعری) قمی (۲)»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۱ و ۱۲.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، قم، دارالمعارف.
۱۱. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۲. قفاری، ناصر (بی تا). *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، عرض و نقد*، بی جا، دارالرضا.
۱۳. کاتب، احمد (۱۴۲۸ق). *امام مهدی حقیقه تاریخیه ام فرضیه فلسفیه*، بیروت، دارالعربیة للعلوم.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ الف-ق). *الفصول المختاره*، قم، کنگره شیخ مفید.
۱۷. _____ (۱۴۱۳ق ب). *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، نشر صدوق.
۱۹. شبهات اعتقادی، مهدویت، شاه کلید، احمد کاتب، روشنگر و کارشناس rasad.tv

